

نقش روحانیون مسافر و مهاجر در مبارزات انقلابی مردم کرمانشاه (با تکیه بر اسناد)

مهدی عزتی^۱ / روح اله بهرامی^۲ / سجاد دادفر^۳

چکیده

یکی از وجوه برجسته انقلاب اسلامی ایران نقش آفرینی و حضور نیروهای مذهبی و دینی در تکوین و شکل‌گیری تمامی مراحل مبارزاتی و تحولات معطوف به پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. کرمانشاه همواره از مهم‌ترین کانون‌های فعالیت جریان‌های مذهبی و دینی بوده است. هرچند تاریخ و محیط جغرافیایی و اجتماعی کرمانشاه بستر فعالیت‌های متنوع جریان‌های انقلابی نظیر اقشار مختلف و متکثر در درون خود بوده، چنان‌که نیروهای اجتماعی مختلف اعم از ایلات و طوایف، اقوام و مذاهب و اقشار گروه‌های شهری و عشایری و روستایی و اقشار سنتی بازرگانان و تجار، علما، پیشه‌وران و بازاریان و اقشار و نیروهای نوین نظیر فرهنگیان و معلمان، کارگران و نظامیان در شهرها همه فعال بودند و توانستند در بستر تحولات انقلاب اسلامی زمینه مساعدی برای طرح خواسته‌های خویش پیدا کنند؛ اما روحانیون نقش پیشرو و رهبری نیروهای اجتماعی را داشتند. در میان قشر روحانیون برخی از روحانیون مهاجر (غیربومی) که در شهر کرمانشاه اقامت داشتند و یا به‌طور موقت دعوت می‌شدند با شرکت در محافل مذهبی و دینی نقش مؤثری در توسعه تفکر مبارزاتی و انقلابی ایفا کردند. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع تاریخی نشان داده که روحانیون مهاجر و مسافر سهم عمده‌ای در مبارزات انقلاب مردم کرمانشاه ایفا کردند. **واژه‌های کلیدی:** انقلاب اسلامی، کرمانشاه، روحانیون مسافر و مهاجر، اسناد.

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)

ezatimehdi@razi.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

dr.bahrami2009@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. sdadfar@razi.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷ نوع مقاله: پژوهشی

**The role of immigrant clerics and missionaries in the
revolutionary skirmishes of the people of Kermanshah
(based on documents)**

Mehdi Ezati¹/ Roohalah Bahrami²/ Sajjad Dadfar³

Abstract

One of the prominent aspects of the Islamic revolution has been the role-playing and presence of religious forces in the development and formation of all stages of struggles and developments aimed at the victory of the Islamic Revolution. Kermanshah has always been one of the most important centers of activity of religious movements. Although the history and geographical and social environment of Kermanshah has been a platform for various activities of revolutionary currents such as different and plural strata within itself, such as various social forces, including tribunal, religious, urban, nomadic and rural groups, and traditional strata of merchants and traders, scholars, artisans and marketers and new classes and forces such as educators and teachers, workers and soldiers were all active in the cities and were able to find a favorable ground for their demands in the context of the developments of the Islamic Revolution; But the clerics had the role of the social forces. Among the clerics, some immigrant (non-native) clerics who resided in Kermanshah or were temporarily invited played an effective role in the development of militant and revolutionary thinking by participating in religious circles. This research is descriptive-analytical and relying on historical sources, shows that immigrant clerics and Missionaries played a major role in the revolution struggles of Kermanshah people.

Keywords: Islamic revolution, Kermanshah, traveler and migrant clerics, documents.

¹. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. (Author) ezatimehdi@razi.ac.ir

². Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University. Kermanshah Iran. dr.bahrami2009@gmail.com

³. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. sdadfar@razi.ac.ir

۱. مقدمه

ولایت کرمانشاه از دیرباز به‌ویژه در عصر اسلامی جزو مراکز فرهنگی و علمی بوده است. این شهر به دلیل واقع شدن در مسیر عراق و بین‌النهرین و دیگر مناطق غربی ایران همواره محل عبور و رفت و آمد زوآر و اکثر کسانی بوده است که قصد داشتند از ایران به عراق و حوزه‌های غربی بروند. از قدیم‌الایام وجود نهادهای فرهنگی مانند مدارس، خانقاه‌ها، مساجد، حوزه‌های علمیه، حسینیه‌ها و سایر کانون‌های دینی در پرورش و رشد علماء، ادبا، دانشمندان، عارفان و صوفیان نامدار و بزرگ اسلامی تأثیرگذار بود. دانشمندانی چون ابن قتیبه دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، ممشاد دینوری و ابراهیم بن شیبان قرمیسینی که در عصر تمدن اسلامی جزو سرآمدان علوم مختلف به شمار می‌آمدند (اعظمی پور، ۱۳۹۳: ۱۶۱ به بعد)، نمونه‌هایی از این بزرگان و عالمان بودند. هم‌چنین علاقه مردم این سرزمین به تشیع و ارادت به خاندان‌های عصمت و طهارت (ع) از آغاز دوره اسلامی مشهور است. احمد بن حسن مادرانی، عالم و مبلغ شیعی قرن سوم و معاصر امام حسن عسکری (ع) و امام دوازدهم (عج)، ملا عبدالاحد کزازی، میرزا احمد کزازی، آقا محمدعلی مجتهد، ملا عبدالجلیل کرکوتی از اجله علما و فضایی بودند که یا از این دیار عالم‌پرور برخاستند و یا به کرمانشاه مهاجرت کرده و در فقه و مذهب شیعه به اشتهار رسیدند و به ارشاد، تعلیم، هدایت مردم و پرورش و تأسیس کانون‌های علمی و دینی اقدام کردند (سلطانی، ۱۳۸۰: ۲۴-۳۱). در دوره قاجار مهاجرت و اقامت علما و فضایی بزرگی چون آقا محمدعلی مجتهد، ملا عبدالجلیل کرکوتی و ملاحسن بن سمیع فیض مهدوی و آیت‌الله بهبهانی نقطه عطفی در تاریخ تحولات دینی و علمی کرمانشاه به شمار می‌رود. اقامت شخصیت‌های بزرگ و نوابغ دینی و علمی در کرمانشاه، باعث شکوفایی فعالیت‌های علمی و مکاتب مذهبی و دینی این شهر شد. در سایه ارشادات و راهنمایی‌ها و هدایت این خاندان‌های روحانی، مردم شهر کرمانشاه پناهگاه‌های مطمئنی برای مقابله با توسعه‌طلبی‌های حکام و فرمانروایان داخلی و متجاوزان به این حدود بودند.

مقوله مهاجرت و مسافرت در تاریخ معاصر انقلاب اسلامی ازجمله بسترهای مؤثری بودند که در تکاپوهای مبارزاتی انقلاب اسلامی در کرمانشاه نقش مؤثری ایفا کرده است و باعث شده کرمانشاه در جریان تحولات انقلاب اسلامی بار دیگر موردتوجه علما و روحانیون مبارز و انقلابی قرار بگیرد و مأمّن و کانونی برای ترویج و گسترش فعالیت‌های انقلابی علمای مبارزه

علیه رژیم پهلوی باشد. مسافرت یا مهاجرت و حضور روحانیون برجسته و اثرگذار که یا به صورت اختیاری و جهت هدایت و رهبری مردم در کرمانشاه ساکن شده بودند و یا به دعوت روحانیون و فعالین انقلابی کرمانشاه به آنجا مسافرت می کردند، در روند تحولات و رویکرد مبارزاتی مردم کرمانشاه بسیار مؤثر بوده است. در هردو صورت روحانیون مهاجر و غیربومی در جریان رخدادها و رویدادهای انقلابی مردم کرمانشاه قرار گرفتند و نقش بسیار مؤثری در شکل گیری و فرایند مبارزه با حاکمیت پهلوی داشتند. این جستار با تکیه بر اسناد و منابع در پی پاسخ به این سؤال است که روحانیون مهاجر (غیربومی) در مبارزات انقلابی مردم کرمانشاه چگونه عمل کردند و نقش آنها در گسترش فعالیت های انقلابی و انقلاب اسلامی در کرمانشاه چگونه بوده است؟

۲. پیشنهاد پژوهش

جست و جو در میان منابع و بانک های اطلاعاتی و تحقیقاتی درباره موضوع پژوهش حاضر پیشنهادی را نشان نمی دهد. در برخی از منابع تاریخی مانند کتاب انقلاب اسلامی در کرمانشاه نوشته یکی از نویسندگان این مقاله به بحث درباره شخصیت های تأثیرگذار در گسترش انقلاب اسلامی در کرمانشاه اشاره شده است (بهرامی، ۱۳۸۹). همچنین محمدعلی سلطانی نیز در کتاب «تاریخ تشیع در کرمانشاه» به شرح سرگذشت برخی از روحانیون مقیم کرمانشاه پرداخته است (سلطانی، ۱۳۸۰). این جستار درصدد است با رویکرد تاریخی - اسنادی به نقش اثرگذار این قشر از روحانیون در مبارزات انقلابی کرمانشاه بپردازد.

۳. حوزه علمیه و مدرسه آیت الله بروجردی زمینه ساز مهاجرت و فعالیت روحانیون و نیروهای

مذهبی و انقلابی به کرمانشاه

تأسیس مدرسه و مسجد آیت الله بروجردی (در سال ۱۳۳۵ ش) باعث شکل گیری یک کانون مهم دینی و مذهبی، و مهاجرت و سکونت برخی از روحانیون و علمای دینی غیربومی در این شهر شد. در زمان زعامت و مرجعیت عالم بزرگ حضرت آیت الله بروجردی، آقا شیخ محمدهادی جلیلی از علما و مجتهدان بزرگ کرمانشاه بسیار مورد توجه ایشان قرار داشت. به همین سبب ایشان نماینده ی شرعی، وکیل و طرف اعتماد ایشان در کرمانشاه بود و بیشتر امور

شرعی و دینی آن خطّه برعهده ایشان گذاشته شده بود. یکی از مسئولیت‌های آقا شیخ هادی جلیلی تأسیس مدرسه دینی در کرمانشاه بود.

واقعیت این است که هرچند قبل از تأسیس حوزه و مدرسه آیت‌الله بروجردی، حوزه‌ها و مدارس دینی کوچکی، که تحت سرپرستی برخی از علما محلی اداره می‌شد، وجود داشت؛ اما با توجه به موقعیت ممتاز دینی کرمانشاه و نزدیکی آن به عتبات اکثر طلبه‌ها و دین‌پژوهان برای تحصیل به حوزه‌های قم یا عتبات عالیات عزیمت می‌کردند. آیت‌الله بروجردی با درک اهمیت ایجاد یک مرکز دینی مهم در غرب کشور، تأسیس یک مدرسه دینی را در شهر کرمانشاه ضروری تشخیص داد. بدین روی، تمهیداتی برای تأسیس یک حوزه دینی در این شهر اندیشید. بنابراین، ضرورت تأسیس این حوزه و مدرسه دینی در سال ۱۳۳۳ فکر وی را به خود مشغول داشت و برای این منظور اطلاعیه‌ای در روزنامه اطلاعات مورخه ۱۱ خرداد ۱۳۳۳ منتشر کرد و در آن از مردم خیر جهت کمک به احداث آن کمک خواست (روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۱/۴/۱۳۳۳، ص ۵).

آیت‌الله بروجردی با گردآوری منابع لازم و حمایت خیرین نسبت به احداث مدرسه دینی و مسجدی در کرمانشاه اقدام کرد. پس از اتمام کار احداث و بنای ساختمان مدرسه دینی کرمانشاه که به نام «مدرسه آیت‌الله بروجردی» نام‌گذاری شد، بنابر دستور وی، حجت‌الاسلام فلسفی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، شیخ عبدالجواد جبل‌عاملی همراه عده‌ای از علمای ساکن قم برای افتتاح مدرسه مزبور در تاریخ ۲ آذر سال ۱۳۳۵ به کرمانشاه مسافرت کردند و طی مراسمی به‌طور رسمی فعالیت آن آغاز گردید (دوانی، ۱۳۷۶: ۲۰۲-۲۰۱).

تأسیس مدرسه و حوزه علمیه آیت‌الله بروجردی، مهاجرت و اقامت عده‌ای از علمای بزرگ و طلاب علوم دینی را در کرمانشاه در پی داشت و فعالیت گسترده این حوزه دینی سرآغاز تحول مهمی در جامعه مذهبی این شهر بود. می‌توان گفت این حوزه ازجمله کانون‌های سرنوشت‌ساز در شکل‌گیری انقلاب اسلامی در کرمانشاه محسوب می‌شود. ابتدا آقا شیخ هادی جلیلی تولیت اداره مدرسه، جذب طلاب و استادان حوزه را طبق دستور آیت‌الله بروجردی برعهده گرفت. سپس برخی از علما برای همکاری و حضور در مدرسه و مسجد در این شهر ساکن شد. یکی از علمای برجسته‌ای که پس از تأسیس مدرسه آیت‌الله بروجردی در کرمانشاه اقامت گزید، آیت‌الله اشرفی اصفهانی بود که به‌عنوان نماینده آیت‌الله بروجردی در آنجا ماندگار شد. پس از رحلت

آیت‌الله بروجردی و تثبیت مرجعیت امام خمینی، وی از سوی امام همچنان به‌عنوان نماینده مرجعیت در کرمانشاه باقی ماند. (اشرفی اصفهانی، بی‌تا: ۲۱).

در آغاز سال ۱۳۳۷ ش، آیت‌الله شیخ محمدهادی جلیلی پس از عمری پربار و سراسر خدمت به مردم کرمانشاه در شهر نجف از دنیا رفت. پس از رحلت آیت‌الله شیخ محمدهادی جلیلی کرمانشاهی، آیت‌الله بروجردی طی حکمی حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالجلیل جلیلی فرزند آن مرحوم را که از علمای بنام آن خطه بودند، به جانشینی آن مرحوم و تصدی امور مدرسه دینی و نمایندگی خود در منطقه‌ی کرمانشاه منصوب کرد. از این رو، از سال ۱۳۳۷ تا سال‌های پس از انقلاب، سرپرستی و مدیریت مدرسه دینی آیت‌الله بروجردی در کرمانشاه تحت نظارت و سرپرستی حجت‌الاسلام شیخ عبدالجلیل جلیلی بود (دوانی، ۱۳۷۶: ۲۰۲).

۴. تأسیس مدرسه و مسجد بروجردی کرمانشاه و مهاجرت‌های علمی و تبلیغی روحانیون

تأسیس حوزه‌ی علمیه به همت علمای شهر کرمانشاه و حمایت مراجع بزرگ دینی باعث شد که بخش اعظمی از طالبان آموزش دینی آن منطقه و برخی نقاط پیرامون در کرمانشاه، در محضر علمای آنجا به یادگیری علوم دینی بپردازند. توسعه و ترویج علوم دینی طیف جدیدی از طلاب جوان را به‌سوی حوزه مذکور کشانید که عمدتاً مقدمات علوم دینی را در آنجا می‌آموختند. کسانی که طالب ارتقاء به مدارج بالاتر بودند، برای ادامه تحصیلات حوزوی به قم یا عتبات عالیات می‌رفتند. با تأسیس مدرسه آیت‌الله بروجردی و گسترش مراکز آموزش حوزوی در کرمانشاه طلاب جوان که در قم و عتبات به مدارج علمی حوزه دست می‌یافتند، برای خدمت در شهر و دیار خود مجدداً به کرمانشاه بازمی‌گشتند. این مسئله به‌نوبه خود در تحول و توسعه‌ی حوزه‌ها، مدارس دینی و حوزوی استان کرمانشاه تأثیری عمیق بخشید. چنان‌که بعد از تحولات سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ و تأثیراتی که بر سیاسی‌شدن فعالیت طلاب و روحانیون جوان منطقه گذاشته بود، از دو سمت‌وسو گرایش‌هایی برای بسط آموزش دینی به وجود آورد: از یک‌سو طلاب و علمایی که به کرمانشاه بازگشتند، هریک در تأسیس مکتب خصوصی یا یک مرکز و مدرسه آموزشی تلاش کردند و از سویی دیگر، دولت از بیم توسعه‌ی مراکز دینی و برای کنترل بیشتر روحانیت، اقداماتی برای تأسیس برخی مراکز و مدارس دینی دولتی در کرمانشاه انجام داد. کمک به مسجد و مدرسه عمادالدوله، که تحت نظر شیخ شجاع‌الدین جلیلی و اداره اوقاف

اداره می‌شد، کوششی با این هدف بود (مارجا، پرونده شماره ۱۲۶۴۷: ۸). همچنین علما، طلاب و رجالی که با تأسیس مدرسه آیت‌الله بروجردی به کرمانشاه آمده بودند نظیر حاج آقا عطاءالله اشرفی اصفهانی، حجت‌الاسلام حاج آقا حسین زرنندی و ... موجب رونق علوم دینی و مذهبی شدند و به تدریج پایگاهی برای نشر و گسترش نهضت انقلاب اسلامی در کرمانشاه درآمدند (سلطانی، ۱۳۸۰: ۵۷۰).

با تأسیس حوزه علمیه آیت‌الله بروجردی سازمان و نهاد روحانیت در غرب کشور انسجام ویژه‌ای پیدا کرد. گسترش آموزش‌های دینی و علایق حوزی طلاب به ساماندهی فکری- اعتقادی در مطالعات دینی در شهر کرمانشاه انجامید. رحلت آیت‌الله بروجردی در آغاز دهه ۱۳۴۰ هرچند به‌طور موقت به بحران مرجعیت و بروز اختلاف نظر در باب مرجعیت شیعه منجر شد و حاکمیت پهلوی هم تلاش کرد با خارج کردن مقام مرجعیت از ایران خود را از حضور یک مرجع نیرومند شیعی در ایران رهایی بخشد، اما موضع‌گیری امام خمینی در قبال اقدامات دولت و شاه و حرکت‌های سیاسی- مذهبی روحانیت در حمایت از ایشان، دوباره آرام آرام به انسجام درونی قدرت روحانیت انجامید و نهضت پانزده خرداد امام خمینی را به‌عنوان مرجع مسلم به جامعه شناساند. در نتیجه، حرکت سیاسی و مبارزات دینی ایشان مورد توجه جامعه شیعی واقع شد. این امر روحانیت شیعه را به حمایت از ایشان، واداشت و جریان‌ها و کانون‌های مذهبی را به‌سوی مرجعیت او هدایت کرد. از دهه ۱۳۴۰ در کرمانشاه علما و روحانیون مبارز فعالیت‌های خود را جهت تأکید بر مرجعیت امام خمینی و حمایت از مبارزات ایشان سوق دادند و شاگردان و علاقه‌مندان به مشی سیاسی- اعتقادی امام خمینی حلقه نیرومند از یاران امام را در کرمانشاه به وجود آورد، که از سردمداران و رهبران مذهبی دینی انقلاب اسلامی ایران در کرمانشاه شدند. از جمله مشهورترین این حلقه یاران امام عبارت بودند از: آیت‌الله عبدالجلیل جلیلی، حاج آقا عطاءالله اشرفی اصفهانی، آیت‌الله بهاءالدین عراقی، آیت‌الله حاج جواد خسروشاهی، آیت‌الله شیخ محمدرضا کاظمی، آیت‌الله حاج شیخ آقا ضیاءالدین فیض مهدوی، آیت‌الله آقاسید محمد میبیدی، آقا شیخ محمدباقر محمدی عراقی، آیت‌الله حاج شیخ مجتبی روشن معروف به «حاج آخوند»، آیت‌الله حاج سیدمرتضی نجومی، حجت‌الاسلام حاج آقا حسین زرنندی و بخش عمده‌ای از این هسته مرکزی روحانیون طرفدار مرجعیت امام خمینی در کرمانشاه که از حلقه یاران مبارز

انقلابی ایشان بودند از جمله روحانیون غیربومی و مهاجر به کرمانشاه به شمار می‌آمدند (سلطانی، ۱۳۸۰: ۵۷۱؛ بهرامی، ۱۳۸۹: ۴۲۹/۱).

همان‌طور که بیان شد موج نخست مهاجرت روحانیون با تأسیس مدرسه و مسجد آیت‌الله بروجردی از سال ۱۳۳۳ تا پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ اتفاق افتاد که عمده فعالیت آنها توجه به کانون دینی و تبلیغ دین و فعالیت‌های آموزشی و حوزه بود و رویکرد چندانی به مبارزه سیاسی در میان طلاب و روحانیون دیده نمی‌شد، اما با رحلت آیت‌الله بروجردی و شروع مبارزات سیاسی امام خمینی و با گسترش فعالیت‌های مذهبی، افزایش مخالفت نیروهای مذهبی و گروه‌های هوادار حاج آقا روح‌الله خمینی با دولت و حاکمیت سیاسی رژیم پهلوی، رویکرد به مبارزه سیاسی و مذهبی با رژیم پهلوی در میان طیف‌های مختلفی از روحانیون بومی و غیربومی به‌ویژه در میان طلاب حوزه و مدرسه آیت‌الله بروجردی در کرمانشاه آغاز شد. بر همین اساس در بسیاری از نقاط کشور گروه‌های مختلف اجتماعی تحت تأثیر این جو سیاسی و مبارزاتی به بسط حوزه‌ی فعالیت تبلیغی و ترویجی خود در حمایت از نهضت دینی ادامه دادند و روزبه‌روز به تعداد وعاظ و روحانیون مخالف که سعی می‌کردند در منابر مذهبی مردم را به‌سوی هواداری از آیت‌الله خمینی سوق دهند، افزوده می‌شد.

گسترش روزافزون سخنرانان مخالف و هوادار آیت‌الله خمینی پس از تبعید به حدی رسید که برای حاکمیت راهی جز برخورد، تهدید و تبعید آنان نبود. هرچند در آغاز تعداد سخنرانان مذهبی که به تقلید از آیت‌الله خمینی در منابر و مجالس مذهبی بی‌محابا به رژیم و سیاست‌های وی حمله می‌کردند، ابتدا از انگشتان دست فراتر نمی‌رفت، ولی با مخالفت رو به تزاید روحانیت با شاه و دولت در سراسر شهرها، ایالات و ولایات پراکنده شدند و در اجتماعات مذهبی هر شهر، روحانیون محلی از وعاظ معروف و خطبای مشهور و مخالف رژیم دعوت می‌کردند تا ضمن برگزاری سخنرانی در مساجد و حسینیه‌ها با پیوند دادن مسائل سیاسی و اجتماعی به سخنرانی‌هایشان، صدای اعتراض خود را بلند کنند و در آگاهی بخشیدن به مردم تلاش نمایند. نظارت بر وعاظی که در جایگاه شخصیت‌های مذهبی و مبلغ دین فعالیت می‌کردند برای ساواک و نیروهای انتظامی بسیار مشکل بود، زیرا آنان با عنوان‌ها و نام‌های مستعار به شهرهای مختلف کشور مسافرت می‌کردند و مدام محل سکونت و سخنرانی‌هایشان را تغییر می‌دادند و شبکه‌ی سیاسی، نامرئی و غیرقابل کنترل را تدارک دیده بودند. گاه حضور سخنرانان مختلف در یک

مجلس وضعیتی را پیش می‌آورد که هویت سخنران اصلی تا هنگام رفتن به منبر برای نیروهای کنترل‌کننده نامعین می‌شد. استفاده از منابر دور از محل سکونت، ترک محل سخنرانی در میان انبوه مستمعان و مسافرت‌های پی‌درپی سخنرانان، ساواک را مستأصل کرده بود. تنها حربه‌ی جدی برای برخورد با این سخنرانان مذهبی تهدید و ممنوع‌المنبر کردن آنان بود. از سوی دیگر، ممنوع‌المنبر شدن باعث می‌شد مستمعان خطیب و واعظ مذکور، شور و شوق مضاعفی برای شنیدن سخنانش داشته باشد و محبوبیت وی افزایش می‌یافت. از این رو، ممنوعیت و ممنوع‌المنبر شدن نتیجه‌ای معکوس داشت و رغبت مردم را به دنبال داشت و مردم شهرها و مناطق مختلف ترجیح می‌دادند از روحانیون ممنوع‌المنبر دعوت کنند تا در محافل و مجالس آنان به سخنرانی بپردازند.

مسافرت واعظ و روحانیون مبارز به کرمانشاه، هم به دلیل فعالیت گسترده‌ی عده‌ای از مبارزان هوادار حضرت آیت‌الله خمینی بود که در کرمانشاه سکونت داشتند و مدام از واعظ دعوت می‌کردند، و هم از موقعیت آن شهر در نزدیکی عتبات عالیات و حوزه عراق ناشی می‌شد که محل سکونت و تبعید امام خمینی و گذرگاه و اقامتگاه موقت مسافران، طلاب و واعظی بود که قصد زیارت و تحصیل داشتند.

۵. روحانیون مسافر و تکاپوهای تبلیغی و انقلابی آنان در کرمانشاه

۵-۱. مسافرت‌ها و اقدامات حاج شیخ عباسعلی اسلامی

او از روحانیون فعال و برجسته‌ای بود که در امور فرهنگی، تربیتی، و آموزشی و سیاسی فعالیت داشت. مدارس و مراکز آموزشی و تربیتی و فرهنگی بسیاری تأسیس کرد و بانی یک خط‌مشی فرهنگی و سیاسی در مبارزه با رژیم پهلوی بود. حاج شیخ عباسعلی اسلامی همسو با شخصیت‌هایی چون آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی و سایر جمعیت، سازمان‌ها و جریان‌های مذهبی نظیر جمعیت فدائیان اسلام، انجمن تبلیغات اسلامی، اتحادیه اسلامی و... با همکاری جمعی از بازاریان و مذهبیون جمعیت پیروان قرآن و جامعه تعلیمات اسلامی را بنا نهاد. مدارس تعلیمات اسلامی از ره‌آوردها و تکاپوهای فرهنگی و تربیتی ایشان در عصر پهلوی دوم بود که آثار فراوانی برجای نهاد (کرمی‌پور، ۱۳۸۰: ۳۰-۳۱).

حاج شیخ عباسعلی اسلامی مدت‌ها در کرمانشاه فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی و ترویجی داشت و در منابر و مساجد سخنرانی‌های مذهبی و سیاسی می‌کرد و در ایام نهضت ملی‌شدن صنعت نفت در کرمانشاه منبر می‌رفت و از جمله در زمان نخست‌وزیری علی رزم‌آرا با برخی از اقدامات او به مخالفت برخاست. تأسیس مدرسه تعلیمات اسلامی در کرمانشاه یکی از اقدامات ایشان در همسویی با جریان‌های اسلام‌گرا به‌شمار می‌رود. عباسعلی اسلامی علاوه بر تأسیس مدرسه تعلیمات اسلامی در کرمانشاه برای احیاء قوانین شرعی و دستورات اسلامی در میان مردم کرمانشاه تلاش نمود و گاه به تناسب فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی خویش به فعالیت‌های خود در شهرهای مختلف در زمینه‌های فکری و فرهنگی و تربیتی اشاره می‌کند. چنان‌که در فروردین سال ۱۳۳۷ در سخنرانی در مسجد کمره‌ای صاحب‌الزمان مسجد ری و مسجد جامع تهران به منبر می‌رفته و به ترویج و تبلیغ و موعظه اقدام می‌نموده است. در فروردین سال ۱۳۳۷ در مسجد جامع تهران ضمن تأکید بر احیای حاکمیت قرآن و علما برای جلوگیری از نشر فساد و انحطاط اخلاق و تعاون میان مسلمان اعلام کرد و گفت:

«من وقتی در کرمانشاه بودم منبر می‌رفتم. رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت می‌خواست برای تأمین ارزاق عمومی شرکت تعاونی تشکیل بدهد. من بالای منبر مخالفت کردم، آقای قدسی کرمانشاهی شبی در کرمانشاه پهلوی من آمد و گفت: اگر حکومت دست علماء باشد تنها همین کرمانشاه مبلغ بیست میلیون تومان بابت زکات باید سرمایه‌داران بدهند و این هم لیستی است که من از سرمایه‌داران کرمانشاه تهیه کرده‌ام و به شما نشان می‌دهم و من لیست را برداشته نگاه کردم دیدم حقیقتاً اگر اینها از طرف روحانیون وصول شود دیگر احتیاجی برای تأمین ارزاق به شرکت تعاونی نداریم» (حاج عباسعلی اسلامی به روایت ساواک، ۱۳۸۳: ۴۷-۴۸).

در جایی دیگر در همین سخنرانی در مسجد ارک تهران به همین موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید:

«ما آقایان در زمان رزم‌آراء رئیس‌الوزراء وقت در آن موقع من در کرمانشاه منبر می‌رفتم یکی از محترمین کرمانشاه به من گفت اگر دولت یک هیئتی از علماء و مردان صالح را مأمور وصول زکات نماید از همین کرمانشاه در سال

بیست میلیون تومان می‌توان زکات از مردم اخذ کرد. آن وقت ببینید هیچ‌کس در این مملکت گدا نخواهد» (حاج عباسعلی اسلامی به روایت ساواک، ۱۳۸۳: ۱۳۹-۱۴۰).

اقدامات شیخ عباسعلی اسلامی، سخنرانی‌های وی و تأسیس مدرسه تعلیمات اسلامی به‌عنوان یکی از کانون‌های مذهبی نقش مؤثری در بیداری مردم کرمانشاه ایفا کرد و زمینه‌ی مساعدی را برای فعالیت‌های ادوار بعدی فراهم ساخت.

۵-۲. مسافرت‌ها و سخنرانی‌های حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی در کرمانشاه

از جمله مسافرت‌های تبلیغی - مبارزاتی که در کرمانشاه حساسیت ساواک، مقامات امنیتی و انتظامی رژیم پهلوی را برانگیخته بود و دائم در صورت برگزاری چنین برنامه‌هایی در کرمانشاه آن را تحت کنترل و مراقبت قرار می‌دادند، سفرهای تبلیغی و انقلابی حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی بود. حجت‌الاسلام فلسفی بنا به دعوت علمای شهر کرمانشاه معمولاً سالانه به آن شهر سفر می‌کرد و در این سفرها سخنرانی‌های مفصلی از سوی متولیان مساجد، حوزه‌ها و اماکن مذهبی و دینی برای ایشان ترتیب داده می‌شد. ازجمله این سفرهای تبلیغی-مذهبی، مسافرت‌های او به کرمانشاه در دوره خفقان و سرکوب شدید نیروهای مذهبی - سیاسی سراسر کشور بود.

در آبان ماه ۱۳۴۵ ش حجت‌الاسلام فلسفی به همراه آقا سیدرضا بنی‌طبا بنا به دعوت حجت‌الاسلام شیخ عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی متصدی و سرپرست مدرسه‌ی آیت‌الله بروجردی در کرمانشاه به آن شهر مسافرت کردند. ساواک که تمام مکاتبات و حرکات روحانیون را پس از حوادث سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ به‌شدت تحت مراقبت قرار می‌داد، در نامه‌ای خیلی محرمانه به شعبه ساواک کرمانشاه در مورخه ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۴۵، از آنها درخواست کرد اعمال و رفتار این دو نفر را کاملاً تحت نظر داشته باشند و افراد مرتبط با آنان را شناسایی و گزارش نحوه فعالیت و عملکرد آنان را در مدت اقامتشان در کرمانشاه به سازمان امنیت مرکز ارسال کنند (دوانی، ۱۳۷۶: ۶۹۰).

تصویری از حجت‌الاسلام فلسفی و آیت‌الله اشرفی اصفهانی در کرمانشاه



به‌هرحال، حجت‌الاسلام فلسفی چند روز بعد از این ماجرا در تاریخ ۲۵ آبان وارد کرمانشاه شد و پس از ملاقات با شیخ عبدالجلیل جلیلی در عصر همان روز در مسجد تازه‌بنیاد «حاج خسرو معتضدی» به اقامه نماز و ایراد سخنرانی پرداخت و به‌منظور افتتاح مسجد، دعوت بانیان آن را پذیرفت و چند روزی در این مسجد به سخنرانی پرداخت. ازجمله حوادثی که در ایام اقامت وی در این زمان داد، حملات شدید وی در نطق افشاگرانه‌اش به مصوبات مجلس سنا درباره حقوق خانواده و زن و طرح آزادی زنا محصنه بود. حجت‌الاسلام فلسفی در خاطرات خود راجع به این پیشنهاد مجلس سنا آورده است:

«من به یاد دارم که در مجلس سنا، پیرمردهایی که آفتاب عمرشان به لب بام رسیده بود، درصدد برآمدند که یکی از منویات تبه‌کارانه آمریکا را در جامعه تحقق ببوشانند و به‌صورت طرحی به تصویب برسانند. این مطلب زمینه‌ای پیدا کرد و من همان موقع در یکی از منابر [مسجد معتضدی کرمانشاه] آن را مورد انتقاد قرار دادم» (دوانی، ۱۳۷۶: ۴۰۵).

این سخنرانی در روز ۲۸ آبان ماه ۱۳۴۵ در مسجد معتضدی کرمانشاه برگزار شد و حجت‌الاسلام فلسفی با لحنی شدیداً انتقادی به عملکرد اعضای سنا و طرح پیشنهادی یکی از سناتورهای آن مجلس در این‌باره حمله کرد. سخنرانی‌های حجت‌الاسلام فلسفی در مسجد معتضدی اقبال فراوانی

یافت و پس از آن، این مسجد یکی از مساجد مهم و تأثیرگذار در تحولات و مبارزات انقلاب اسلامی شد. وعاظ و سخنرانان مشهوری به آن مسجد دعوت می‌شدند و از جمله این سلسله سخنرانی‌ها، سخنرانی‌های سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در ماه رمضان همان سال پس از سخنرانی‌های حجت‌الاسلام فلسفی بود که در آگاهی دینی و اجتماعی - سیاسی نمازگزاران تأثیر بسیاری داشت (مراسان، سند شماره ۳۵۰: ۸۸۱).

در آبان ماه ۱۳۴۹ مطابق شیوه‌های پیشین، آیت‌الله عبدالجلیل جلیلی از حجت‌الاسلام فلسفی برای ایراد خطابه در کرمانشاه دعوت کرد اما این سخنرانی برگزار نشد و علت آن هم ممنوع‌المنبر شدن فلسفی و محدودیت وی از سوی ساواک برای مسافرت به کرمانشاه بود. لذا طی نامه‌ای به آیت‌الله جلیلی دلیل لغو سفرش به کرمانشاه را توضیح داد و از سخنرانی در آنجا اعلام انصراف داد (مراسان، سند شماره ۳۵۰: ۱۹۲).

۵-۳. مسافرت حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی به کرمانشاه و سخنرانی ایشان در مسجد آیت‌الله

بروجردی

آیت‌الله خزعلی از وعاظ و سخنرانان معروف در آن زمان و از کسانی بود که به دلیل منبرهای پرشور از سوی علما، روحانیون و اصحاب مجالس دینی دعوت می‌شد، تا به موعظه و سخنرانی بپردازد. وی در اواخر دی ماه ۱۳۴۴، با دعوت جمعی از علمای کرمانشاه، برای برگزاری مجالس به آن شهر سفر و در مساجد مختلف کرمانشاه سخنرانی کرد که از منابر ایشان استقبال گسترده‌ای می‌شد. شیخ عطاءالله اشرفی اصفهانی نیز از وی دعوت می‌کرد تا در مسجد آیت‌الله بروجردی نیز مجلس سخنرانی برگزار کند، ولی سازمان امنیت مانع از برگزاری سخنرانی او در مسجد آیت‌الله بروجردی شد. آیت‌الله خزعلی از سوی سازمان امنیت فراخوانده شد و پس از احضار ایشان به بهانه اینکه در مجالس و سخنرانی‌های قبلی‌اش در کرمانشاه مباحثی در زمینه تبعیض نژادی در آمریکا مطرح کرد و در آن موقع که محمدرضاشاه به آمریکا سفر کرده بود، طرح این مسئله مناسب و به مصلحت نبود، از منبر رفتن وی جلوگیری شد و با وجود وساطت عده‌ای برای رفع توقیف موفقیتی حاصل نشد.

این مسئله خشم آیت‌الله اشرفی اصفهانی را برانگیخت و او در روز ۲۹ دی ماه ۱۳۴۴ طی سخنرانی‌ای در مسجد آیت‌الله بروجردی به این اقدام شهربانی کرمانشاه و سازمان اطلاعات و

امنیت اعتراض کرد و آن را مداخله اولیای امور برای جلوگیری از طرح مطالب دینی دانست. (مراسان، پرونده ۵۸۱۱، شماره ۵/۱/۲۲۹/۴). همچنین آیت‌الله احمد جنتی در نامه‌ای به حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی درباره علت جلوگیری از منبر آیت‌الله خزعلی در کرمانشاه شرحی بدین‌صورت به ایشان نوشت که علاوه بر دلایل فوق، اختلافات درونی روحانیون کرمانشاه را عامل دیگر در تعطیلی این مجالس ذکر کرد (انواری، ۱۳۷۶: ۳۱۸-۳۱۹).

۴-۵. مسافرت شیخ محمد یزدی به کرمانشاه

ازجمله شخصیت‌های سخنران و روحانیونی که با مساجد و کانون‌های دینی کرمانشاه، به‌ویژه مدرسه آیت‌الله بروجردی ارتباط داشت، شیخ محمد یزدی از روحانیون فعال و از شاگردان و نزدیکان امام خمینی بود. وی پس از حوادث و برخوردهای شدید میان روحانیت و هیئت حاکمه در اواخر سال ۱۳۴۳ ش به کرمانشاه مسافرت و در منابر و سخنرانی‌های خود بیانات انتقادی و تندى علیه سیاست‌های رژیم حاکم مطرح کرد که ساواک کرمانشاه بلافاصله در گزارش خود به مرکز این سخنان را تحریک‌آمیز گزارش کرد. (مراسان، گزارش ساواک مورخه ۱۱/۲۴/۱۳۴۴)

شیخ یزدی پس از این سخنرانی در سال‌های بعد نیز به کرمانشاه آمد و سخنرانی‌هایی ایراد کرد. اعضای فعال مدرسه و مسجد آیت‌الله بروجردی کرمانشاه، شیخ عبدالجلیل و عطاءالله اشرفی اصفهانی، در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۴، از شیخ یزدی دعوت کردند تا برای ایراد سخنرانی و روضه‌خوانی، به مناسبت شهادت امام جعفر صادق(ع) به کرمانشاه مسافرت نماید. آیت‌الله یزدی، دعوت را پذیرفت و عصر روز ۲۳ بهمن‌ماه به کرمانشاه وارد شد و ضمن ملاقات با علمای کرمانشاه در منزل حجت‌الاسلام عبدالجلیل جلیلی، درباره اوضاع مراکز دینی و روحانیون کرمانشاه، برای ایراد سخنرانی آماده شد. مدیریت اداره کل ساواک کرمانشاه از این موضوع باخبر شد و به ساواک دستور داد او را از نحوه‌ی منبر رفتن و علت مسافرت شیخ محمد یزدی مطلع بنماید. ساواک کرمانشاه پس از انجام بررسی‌های لازم به‌وسیله عناصر خبری‌اش به رئیس ساواک اطلاع داد که شیخ محمد یزدی بنا به دعوت شیخ عبدالجلیل جلیلی وارد کرمانشاه شد و قرار است به مناسبت شهادت امام جعفر صادق(ع) به منبر برود (مراسان، گزارش ساواک مورخه ۱۳۴۴/۱۱/۲۴؛ سند شماره ۱ و ۲ و ۳ در پیوست همین مقاله) به‌هرحال، شب ۲۵ بهمن ۱۳۴۴

مجلس عزاداری حضرت امام جعفر صادق (ع) با حضور گسترده‌ی مردم متدین و علما و بزرگان دینی برگزار شد و حجت‌الاسلام یزدی نیز از راه در انتهای مسجد مخفیانه وارد مجلس گردید و با وجود هشدارهای شهربانی و تعهدش مبنی بر خودداری از منبر و سخنرانی در میان جمع با شیوه‌ای خاص اقدام به سخنرانی کرد. آیت‌الله محمد یزدی در این باره در خاطراتش چنین می‌گوید:

«از جمله اقدامات مرحوم اشرفی اینکه از افراد مختلف برای سخنرانی در کرمانشاه دعوت به عمل می‌آوردند. یک‌بار هم بنده در شمار دعوت‌شدگان بودم. ظاهراً در آن مقطع به دلیل نزدیکی به جریان‌های انقلابی، زمینه فراهم‌تر از قبل بود و مردم عطش بیشتری برای شنیدن حرف‌های انقلابی-سیاسی پیدا کرده بودند. به هر تقدیر، روز اول از طریق کوچه‌های فرعی با پای پیاده خود را به مسجد رسانده و از در فرعی مسجد، که برای عبور خانم‌ها در نظر گرفته بودند، وارد مسجد شدم و مشاهده کردم که مسجد مملو از جمعیت است. علمای اعلام در یک قسمت نشسته‌اند و جلوی در ورودی و بیرون مسجد، غلغله است. نگهبان‌ها و پاسبان‌ها هم دیده می‌شوند و با توجه به این فضا از میان جمعیت عبور کردم و بین مرحوم آیت‌الله اشرفی و آقای جلیلی، که از متنفذین کرمانشاه بود، نشستم. هنوز کسی به منبر نرفته بود و جو جلسه کم‌کم مهیای شنیدن سخنرانی می‌شد. در همین احوال یکی از مأمورین جلو آمد و آهسته به من گفت: «مگر به شما ابلاغ نشده است که به منبر نروید؟». گفتم چرا. بنده هم قصد منبر رفتن ندارم». چند دقیقه بعد، که دیگر همه چشم‌انتظار سخنرانی مجلس بودند، از جا برخاستم و نزدیک منبر رفتم و به گمانم روی یک صندلی نشستم و شروع کردم به سخنرانی. ظاهراً افرادی قصد داشتند جلسه را به هم بزنند، ولی توفیق نیافتند و ما توانستیم جلسه را به خوبی اداره کنیم» (خاطرات محمد یزدی، ۱۳۸۰: ۱۹۸-۱۹۹).

شیخ محمد یزدی پس از آن نیز چندین بار دیگر به کرمانشاه مسافرت کرد و به‌رغم کنترل و نظارت نیروهای امنیتی در ترویج و تبلیغ نهضت انقلاب امام خمینی در این مناطق نقش مؤثری ایفا کرد.

۵-۵. مسافرت سید عبدالکریم هاشمی نژاد و نقش وی در مبارزات مذهبی - انقلابی کرمانشاه

سید عبدالکریم هاشمی نژاد از وعاظ انقلابی و از شاگردان معروف آیت الله میلانی بود. وی در مشهد زندگی می کرد و به منظور وعظ و تبلیغ به مناطق و شهرهای متعددی در سراسر کشور مسافرت می نمود و از سوی روحانیون و علما برای موعظه و تبلیغ در ایام مقدسه و مناسبت های مختلف مذهبی دعوت می شد. در سال ۱۳۴۴ از سوی علمای کرمانشاه در ماه رمضان دعوت شده و در مسجد آیت الله بروجردی به سخنرانی پرداخت. انتقادات شدید سیاسی - اجتماعی وی از اوضاع مملکت به صورت تمثیل و با بهره گیری از مقایسه ی تاریخی و همراه با طرح مباحث اجتماعی، سیاسی و بین المللی باعث شد که حساسیت دستگاه امنیتی - سیاسی و مقامات مذکور برانگیخته شود و جلسات سخنرانی وی تحت نظر قرار گیرد (شهید حجت الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۴۹ به بعد).

مردم در سال ۱۳۴۴ از سخنرانی های هاشمی نژاد بسیار استقبال کردند. به همین مناسبت، از سوی چند تن از علمای بنام شهر کرمانشاه، شیخ حسین امینی، عطاء الله اشرفی اصفهانی و شیخ عبدالجلیل جلیلی تصمیم گرفته شد تا برای سال بعد نیز از ایشان به منظور تشکیل جلسات سخنرانی و موعظه ی دینی دعوت شود تا در مساجد مختلف کرمانشاه از جمله مسجد آیت الله بروجردی، مسجد معتضدی و مسجد جلیلی در فیض آباد، به سخنرانی بپردازد. لذا در اواسط ماه شعبان مکاتبه ای از سوی علمای مذکور با هاشمی نژاد صورت گرفت و از وی دعوت شد تا در ماه رمضان سال ۱۳۴۵ به کرمانشاه مسافرت نماید (شهید حجت الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۱۹۳، ۱۹۲).

دستگاه امنیتی رژیم، بلافاصله از مسافرت سید عبدالکریم هاشمی نژاد باخبر شد و در تاریخ ۱۶ آذرماه ۱۳۴۵ فوراً قسمت های مربوط به مراقبت روحانیون، برای نظارت بر جلسات سخنرانی هاشمی نژاد در کرمانشاه فعال شدند (همان: ۱۹۴). سید عبدالکریم در ۲۰ آذر ۱۳۴۵ وارد کرمانشاه شد و در منزل شیخ حسن امینی از روحانیون کرمانشاهی ساکن شد. روز بعد با خبر ورود وی، آیت الله اشرفی و آیت الله جلیلی به همراه جمعی دیگر از طلاب و روحانیون برای دیدن وی به منزل شیخ حسن امینی رفتند و پس از احوالپرسی با ایشان درباره اوضاع مشهد و احوال علمای آنجا به گفت و گو نشستند. پس از این ملاقات، برنامه سخنرانی سید هاشمی نژاد از روز بعد آغاز شد. هاشمی نژاد نخستین جلسات این سخنرانی ها را با لحنی ملایم و طرح مباحثی در

زمینه اخلاق اسلامی، مکتب اسلام در مقایسه با سایر مکاتب بشری، انتقاد از نظام‌های کمونیستی و سرمایه‌داری آغاز کرد (شهید حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۱۹۴). سخنرانی‌های مذکور هر روز در دو مسجد معروف کرمانشاه، مسجد آیت‌الله بروجردی و مسجد معتضدی، برگزار می‌شد. هاشمی نژاد ظهرها در مسجد آیت‌الله بروجردی و عصرها در مسجد معتضدی کرمانشاه سخنرانی می‌کرد. مأموران و منابع خبرچینی ساواک نیز گزارش‌های روزانه این سخنرانی‌ها را تهیه و به قسمت‌های مربوطه ارسال می‌کردند. لحن و متن سخنرانی سید عبدالکریم هر روز انتقادی‌تر می‌شد. وی با طرح مباحث مختلف اجتماعی و سیاسی از جمله عدل اجتماعی در اسلام، نژاد و تبعیض نژادی به‌ویژه در آمریکا و وضعیت سیاه‌پوستان آن کشور، حکومت و قانون در جامعه اسلامی، رفتار و اخلاق پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین علی (ع) و... آگاهی‌های مختلفی به مستمعین مجالس خود می‌داد.

در اواخر آذرماه سخنرانی‌های ایشان باعث حساسیت بیشتر ساواک شد و به همین سبب مسئول عملیات مراقبت و کنترل جلسات سخنرانی وی در مساجد بروجردی و معتضدی صراحتاً اعلام کرد که او رفته‌رفته در سخنان خود با ایما و اشاره و کنایه‌گویی از دولت و حکومت انتقاد می‌کند. لذا رئیس امنیت داخله دستور داد که حتماً از طریق شهربانی کرمانشاه اقدام لازم را در تذکر و اخطار به نامبرده به عمل آورند.

یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در سخنرانی‌های بعدی سید عبدالکریم هاشمی نژاد، جلوگیری از فسادهای اخلاقی، اجتماعی و آزادی زنان و نوع نگاه اسلام و دنیای غرب نسبت به زنان بود. در آن زمان به شدت درباره تجددخواهی و آزادی زنان حساسیت نشان داده می‌شد، زیرا یکی از اصول انقلاب سفید شاه آزادی زنان بود. سید عبدالکریم با توجه به متداول بودن مبحث آزادی زنان، بخش‌هایی از بحث خود را در روزهای مختلف به این موضوع اختصاص می‌داد. برخی از علما از جمله حاج شیخ عطاءالله اشرفی‌اصفهانی به ایشان اعلام کردند که چون حکومت و مأمورین ممکن است با طرح این مسائل از منبر رفتن وی جلوگیری نمایند و مجالس سخنرانی او را تعطیل کنند، بهتر است در این باره در روزهای آخر ماه رمضان بحث شود (شهید حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۲۰۰).

بنا بر دستور ساواک در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۴۵ به شهربانی کرمانشاه اعلام شده بود که چنانچه هاشمی نژاد خارج از مسائل دینی مباحثی را طرح کرد، او را احضار کنند و تذکر لازم را به او

بدهند. بر همین اساس، شهربانی در همان روز با احضار هاشمی نژاد، به وی در این زمینه اخطار داد ولی وی از روز سوم دی ماه در چندین جلسه متوالی مطالبی درباره حقوق زنان، زن از دیدگاه اسلام و مسئله آزادی زنان در کشورهای غربی اظهار کرد. همچنین مسائلی درباره تبعیض نژادی و مساوات در آمریکا در جلسات متعدد مطرح نمود، لذا با ذکر این مسائل بار دیگر به شهربانی کرمانشاه دستور داد تا درباره سخنان نامبرده مجدداً به ایشان تذکر لازم داده شود (شهید حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷؛ ۲۱۰-۲۱۱؛ ر.ک به: سند شماره ۴ پیوست).

سخنرانی‌های هاشمی نژاد در مساجد معتضدی و آیت‌الله بروجردی مستمعان بسیاری را به پای منابر می‌کشاند و در آگاهی‌بخشی سیاسی، اجتماعی و انتقادی از دستگاه حاکمه آثار مطلوبی برجای می‌گذاشت. با وجود اعمال تمام محدودیت‌ها از سوی مقامات سیاسی، امنیتی و انتظامی استان، این سلسله سخنرانی‌ها با تدبیر علمای محلی، امامان جماعت و پیشنمازان مساجد مذکور تا پایان ماه رمضان ادامه یافت و هاشمی نژاد علاوه بر مباحث فوق و موعظه‌های دینی، به طرح مطالبی درباره نامطلوبی اوضاع اخلاقی و لزوم جلوگیری از فساد به وسیله حکومت با اجرای قوانین جزایی و نیز ترویج امر به معروف و نهی از منکر و مباحث دیگر پرداخت. وی پس از اتمام ماه رمضان در روز ۲۳ دی ماه، کرمانشاه را به مقصد مشهد ترک کرد. سید عبدالکریم - هاشمی نژاد در سفرهای تبلیغی‌اش به کرمانشاه، به نحوی رابط بین علمای کرمانشاه، مراجع و علمای مشهد نیز بود و بسیاری از کتب مذهبی و دینی که روشنگری و آگاهی‌بخشی دینی، سیاسی و اجتماعی مؤثر بودند، برای برخی از علمای کرمانشاه تهیه و ارسال می‌کرد.

۵-۶. مسافرت سید علی اکبر محتشمی پور به کرمانشاه

سید علی اکبر محتشمی پور به مناسبت دهه عاشورا و به منظور وعظ، تبلیغ و شرکت در مراسم دینی و عزاداری به کرمانشاه در سال ۱۳۴۶ به کرمانشاه آمد و در مسجد حجت‌الاسلام سید ابراهیم خسروشاهی - که از جمله شاگردان امام خمینی و از علاقه‌مندان به ایشان بود - سخنرانی کرد. ایشان به مدت ده روز در کرمانشاه اقامت داشت و در تمام ایام دهه اول محرم برای مردم کرمانشاه روضه‌خوانی و سخنرانی نمود. ارتباط وی با شاگردان امام خمینی حساسیت ساواک را بیشتر کرده بود. لذا در دوره اقامتش در کرمانشاه، ساواک به جست‌وجو، تعقیب و کنترل

نامبرده پرداخت. محتشمی پور پس از پایان دهه محرم به صورت مخفیانه از طریق مرزهای غربی و جنوبی راهی عراق شد و به نجف اشرف رفت (خاطرات سیدعلی اکبر محتشمی، ۱۳۷۶: ۸۵-۸۶).

ساواک مرکز در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۶ ضمن دستور اکید به ساواک کرمانشاه اشاره کرده بود که سید علی اکبر محتشمی پور در نامه‌ای به سید محمود محتشمی پور - که از عناصر سابقه دار و ناراضی بود - علیه امنیت داخلی اقداماتی انجام داده و نوشته است که در کرمانشاه مشغول وعظ و تبلیغ است. لذا باید تحت نظر و مراقبت لازم قرار بگیرد. ریاست ساواک کرمانشاه نیز پس از انجام دستورات فوق و تحت کنترل قرار دادن علی اکبر محتشمی پور، نتیجه اقدامات خود را به مرکز اعلام کرد (خاطرات سیدعلی اکبر محتشمی پور، ۱۳۷۶: ۸۷-۸۸).

۷-۵. مسافرت شیخ احمد کافی به کرمانشاه

در خرداد ماه ۱۳۴۷ از طرف مسجد آیت الله بروجردی از شیخ احمد کافی که از وعاظ برجسته خراسانی مقیم تهران بودند دعوت کردند که به مدت ده روز از دوازدهم خرداد تا بیست و دوم این ماه در مسجد آیت الله بروجردی کرمانشاه به منبر بروند. گزارش این مأموریت تبلیغی از طرف شهربانی کرمانشاه به ساواک ارسال و از سوابق ایشان استعلام شده است و ساواک در این باب درخواست نموده که «سابقه این شخص به ساواک کرمانشاه منعکس و خواسته شود از منابر این شخص دقیقاً مراقبت نمایند». لذا ساواک مرکز دو روز بعد طی نامه دیگری به ساواک کرمانشاه اعلام نموده که شیخ احمد کافی از افراد و عناصر مخالف و از طرفداران آیت الله خمینی است که مقیم تهران است و دارای سوابق بازداشت است و به ساواک کرمانشاه دستور داده است که در طول اقامت ایشان در کرمانشاه تمام اقدامات ایشان را تا زمان بازگشت به تهران تحت مراقبت دقیق قرار گرفته و نتیجه را به ساواک تهران اعلام نمایند (حاج عباسعلی اسلامی به روایت ساواک، ۱۳۸۳: ۱۲۰؛ ر.ک، به؛ سند شماره ۵).

در نامه دیگری از مرکز همچنین به ساواک کرمانشاه تأکید شده است که از آنجا که شیخ احمد کافی از روحانیونی است که با سپردن تعهد مجاز به استفاده از منبر شده است، بایستی تمام منابر وی تحت مراقبت و هرگونه خبری را به موقع اعلام داشته و همچنین با شهربانی کرمانشاه در این

زمینه هماهنگی نموده تا ضمن احضار او و بانیان منبر تعهدات لازم را از ایشان گرفته تا مراقب رفتار و گفتار خود باشند.

برای بار دوم شیخ احمد کافی در شهریورماه سال ۱۳۴۸ از سوی محافل مذهبی کرمانشاه دعوت شد و قرار شد که به مدت ده روز در مسجد آیت‌الله بروجردی به منبر برود، لذا ریاست ساواک مرکز طی نامه‌ای با طبقه‌بندی خیلی محرمانه در بیست و ششم شهریور به ساواک کرمانشاه دستور داد که شیخ احمد کافی از روحانیون ناراحت و باسابقه تهران پس از ایراد مطالب خلاف مصالح مملکتی در شهر قم در تاریخ ۱۳۴۸/۶/۲۶ راهی کرمانشاه شده است و لذا به ساواک کرمانشاه دستور داده که ضمن ضبط سخنرانی‌های وی روی نوار، مشارالیه را احضار و تذکرات و تعهدات لازم از ایشان اخذ شود که در صورت ایراد مطالبی خارج از مسائل مذهبی تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. براساس همین دستورالعمل ساواک مرکز بود که شهربانی کرمانشاه ضمن احضار شیخ احمد کافی قبل از هرگونه ایراد سخنرانی از ایشان تعهدات لازم را به شرح زیر اخذ کرد (ر.ک به؛ سند شماره ۵).

متن تعهدنامه شیخ احمد کافی

اینجانب شیخ احمد فرزند محمد شهرت کافی دارای شناسنامه شماره ۴۹۴۹۷ صادره از مشهد اهل تهران ساکن تهران که فعلاً در کرمانشاه اقامت دارم و قصد دارم به مدت ده روز در مسجد مرحوم آیت‌الله بروجردی به منبر بروم تعهد می‌نمایم، که در منبر جز مطالب مذهبی و دینی اظهارات دیگری که خارج از موضوع مذهبی باشد مطلقاً ایراد ننمایم. چنانچه خلاف این تعهد رفتار نمودم حاضریم طبق مقررات تحت تعقیب قانونی قرار بگیرم. بدیهی است محل‌های دیگری هم قرار بود به منبر بروم این تعهد را کاملاً رعایت خواهم نمود (حاج عباسعلی اسلامی به روایت ساواک، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

به‌رغم این تعهد و متعاقب آن از ساواک مرکز به شهربانی کل کشور دستور داده شد که با توجه به اظهارات خلاف مصالح و انتقادی شیخ احمد کافی و احتمال تکرار این رویه دستور داده شد که از منبر رفتن ایشان در همدان و کرمانشاه ممانعت به عمل آید (حاج عباسعلی اسلامی به روایت ساواک، ۱۳۸۳: ۲۰۵). شیخ احمد کافی به‌رغم تذکرات مکرر مقامات سازمان امنیت به

سخنرانی‌ها و منابر انتقادی و ترویجی خویش ادامه داده لذا در تاریخ بیست و یکم آذر ماه پس از صدور حکم تبعید به مدت سه سال به شهرستان ایلام تبعید گردید. حسین کافی برادر شیخ احمد از طریق آیت‌الله جلیلی کرمانشاهی و چند نفر دیگر از علاقه‌مندان و دوستداران شیخ احمد کافی وسایل و امکانات موردنیاز ایشان برای انتقال به شهر ایلام را فراهم آوردند (حاج عباسعلی اسلامی به روایت ساواک، ۱۳۸۳: ۴۰۹-۴۱۰).

۸-۵. مسافرت حجت‌الاسلام نجم‌الدین اعتمادزاده به کرمانشاه و سخنرانی در مسجد حاج شهباز خان

یکی دیگر از روحانیون مبارز که از ایشان دعوت می‌شد در مسجد حاج شهباز خان سخنرانی نماید، حجت‌الاسلام نجم‌الدین اعتمادزاده بود. ایشان از روحانیون تهرانی بود و فرزند شخصی به نام علی‌اصغر و در تهران متولد شده بود. پس از تحصیل در علوم دینی و حوزه‌های علمیه فعالیت مذهبی می‌کرد و در جریان مبارزات روحانیون به صف مبارزان مذهبی پیوست. بر اثر این فعالیت‌ها بارها از سوی ساواک دستگیر و زندانی شد و ممنوع‌المنبر گردید. ایشان در اواخر خرداد ماه ۱۳۵۱ دستگیر شد ولی پس از دستگیری و ممنوع‌المنبر شدن در سفری به کرمانشاه به‌عنوان سخنران مسجد حاج شهباز خان کرمانشاه به ایراد وعظ پرداخت. در گزارش‌های ساواک، سخنان وی تحریک‌آمیز توصیف شده و در این زمینه آمده است که:

«برابر سوابق موجود نامبرده از روحانیون افراطی طرفدار خمینی است در تاریخ ۱۳۵۱/۳/۳ دستگیر و در تاریخ ۱۳۵۱/۳/۲۹ [۱۳] با تبدیل قرار مرخص شده است. برابر گزارشات واصله، یادشده بعد از آزادی از زندان در منابر مبادرت به اظهار مطالب تحریک‌آمیز و خلاف مصالح مملکت نموده که در نتیجه در تاریخ ۱۳۵۱/۱۲/۱۶ ممنوع‌المنبر گردیده است. در ضمن نامبرده با اخذ تعهد آزاد گردیده اما باز هم همان‌طور که در گزارش مورخ ۱۳۵۷/۳/۳۰ آمده در سخنرانی که در کرمانشاه در مسجد حاج شهباز خانی نموده به تعهد خود عمل ننموده و مطالب تحریک‌آمیزی عنوان کرده است (یاران امام به روایت ساواک (محمی‌الدین انواری)، ۱۳۸۶: ۲۰۸).

جدول فهرست اسامی علمای مهاجر و مسافر به کرمانشاه و فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی آنها

ردیف	نام و نام خانوادگی	دعوت کنندگان	محل سخنرانی	تاریخ مسافرت
۱	حاج شیخ عباسعلی اسلامی	مدرسه تعلیمات اسلامی	مدرسه تعلیمات اسلامی	۱۳۲۹
۲	حاج محمدتقی فلسفی	بنا به پیشنهاد آیت‌الله بروجردی	مسجد و مدرسه آیت‌الله بروجردی	۱۳۳۷
۳	حاج محمدتقی فلسفی	شیخ عبدالجلیل جلیلی	مسجد معتضدی	۱۳۴۵
۴	حاج محمدتقی فلسفی	شیخ عبدالجلیل جلیلی	به علت ممنوع‌المنبر شدن فلسفی برگزار نشد	۱۳۴۹
۶	آیت‌الله شیخ ابوالقاسم خزعلی خراسانی	علمای کرمانشاه و آیت‌الله اشرفی اصفهانی	سخنرانی در مساجد مختلف، لغو برنامه در مسجد بروجردی	۱۳۴۴
۷	آیت‌الله شیخ محمد یزدی	آیت‌الله اشرفی اصفهانی و آیت‌الله جلیلی کرمانشاهی	مسجد و مدرسه آیت‌الله بروجردی	بهمن ماه ۱۳۴۴
۸	سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد	بنا به دعوت علمی کرمانشاه در ماه مبارک رمضان	مسجد و مدرسه آیت‌الله بروجردی	۱۳۴۴
۹	سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد	بنا به دعوت شیخ حسن امینی در ماه	مسجد بروجردی، ظهرها،	۱۳۴۵

	مسجد معتضدی عصرها	مبارک رمضان		
۱۳۴۶	مسجد حجت الاسلام خسروشاهی	حجت الاسلام خسروشاهی	سید علی اکبر محشمی پور	۱۰
۱۳۴۷	مسجد و مدرسه آیت الله بروجردی	محافل مذهبی و علمای کرمانشاه	حجت الاسلام شیخ احمد کافی	۱۱
۱۳۴۸	مسجد و مدرسه آیت الله بروجردی	علمای کرمانشاه	حجت الاسلام شیخ احمد کافی	۱۲
۱۳۵۷	مسجد حلاج شهباز خان	محافل مذهبی کرمانشاه	حجت الاسلام نجم الدین اعتمادزاده	۱۳

نتیجه گیری

کرمانشاه یکی از کانون‌های نیرومند انقلاب اسلامی در غرب کشور بود که نقش مؤثری در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران ایفا کرد. با وجود نقش مؤثر گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی اعم از فرهنگیان، تجار و بازرگانان، در این میان روحانیون به‌عنوان رهبران نیروهای اجتماعی بارزی داشتند. در میان جریان‌ها، محافل، کانون‌ها و مراکز مذهبی و روحانیون برخی از روحانیون مسافر و مهاجر (غیربومی) نقش بسیار مهمی در روشنگری و اثربخشی فکری و اجتماعی مبارزات اجتماعی و مذهبی مردم علیه حاکمیت پهلوی را برعهده داشتند. این محافل شیوه‌های مختلفی را برای مبارزات سیاسی و مذهبی خویش انتخاب کردند که یکی از این شیوه‌ها استفاده از ظرفیت محافل و کانون‌های مذهبی نظیر حسینیه‌ها و مساجد و مراکز مذهبی براساس مناسبت‌های خاص مذهبی و مورداحترام مردم و دعوت از علمای غیربومی برای سخنرانی‌های سیاسی و مبارزاتی در پوشش مناسبت‌های مذهبی بوده است. مسافرت و هجرت دو بستر مهم برای ایفای نقش و تبیین ایدئولوژی مبارزه و گسترش روحیه انقلابی و اسلامی به‌وسیله

رهبران روحانی در کرمانشاه به شمار می‌آمده است. همان‌طور که نشان داده شد، با توجه به غلبه نیرومند گفتمان دینی و حضور رهبران مذهبی - سیاسی و نفوذ آنها در بدنه اجتماعی کرمانشاه، این روحانیون و محافل مذهبی با دعوت از شخصیت‌های برجسته و مؤثر و خطبا و علمای مذهبی و روحانیون مهاجر و مسافر سهم عمده‌ای در گسترش تفکرات مبارزاتی و انقلاب مردم در کرمانشاه ایفا کردند. آن‌چنان‌که برگزاری جلسات سخنرانی علمای مهاجر و مسافر نظیر شیخ عباسعلی اسلامی، آیت‌الله فلسفی، شیخ محمد یزدی، علی‌اکبر محتشمی‌پور، آیت‌الله عبدالکریم هاشمی‌نژاد و شیخ احمد کافی و... نقش مؤثری در محافل مذهبی و سیاسی کرمانشاه داشته است.

کتابنامه

الف) اسناد

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، ش.بازیابی: ۳۵۰؛ ۸۸۷۳/ه. مورخه ۱۳۵۷/۸/۱.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، پرونده شیخ محمد یزدی، سند شماره ۲۱/۵۲ ه تاریخ ۲۵۳۷/۱/۹
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، پرونده شهید اشرفی اصفهانی، کد پرونده ۵۸۱۱، گزارش ۴/ ۵/۱/۲۲۹
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، گزارش ساواک مورخه ۱۳۴۴/۱۱/۲۴.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران (مارجا)، بایگانی اسناد نخست‌وزیری، پرونده شماره ۲۸۱۲۰؛ ۱۲۶۴۷.
- شهید آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲.
- شهید حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷.
- واعظ شهیر حجت‌الاسلام شیخ احمد کافی به روایت ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳.
- حاج عباسعلی اسلامی به روایت ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳.
- یاران امام به روایت ساواک (انواری، محی‌الدین)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶.

نقش روحانیون مسافر و مهاجر در مبارزات انقلابی مردم کرمانشاه (با تکیه بر اسناد) ۲۲۳

ب) کتاب

اعظمی پور، برومند، پایتخت فراموش شده قوم کرد، تهران: انتشارات سپند مینو، ۱۳۹۳.
بهرامی، روح الله، انقلاب اسلامی در کرمانشاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
خاطرات سید علی اکبر محتشمی پور، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، ۱۳۷۶.
خاطرات محمد یزدی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
دوانی، علی، خاطرات و مبارزات حجت الاسلام والمسلمین فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

سلطانی، محمدعلی، تاریخ تشیع در کرمانشاه، تهران: سها، ۱۳۸۰.
کرمی پور، حمید، جامعه تعلیمات اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

ج) مقاله

حجتی کرمانی، علی، «خاطرات» مجله یاد، ش ۴۱-۴۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵.

د) روزنامه‌ها

روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۳۳/۴/۱۱.

سند شماره ۱

[گزارش ساواک از جلوگیری شدن و ممنوعیت منبر شیخ محمد یزدی در کرمانشاه]

تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۴
شماره ۶۶۲/۵
شماره پرونده گیرنده
شماره پرونده فرستنده

گرفته شد بریت کل اداره بوم (۲۱۶)
فرستنده: واک کرمانشاه
شماره ۵/۱۰۲۸
پیوست ۱/۱۱/۲۴

نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
آرشیو

موضوع: شیخ محمد یزدی.

نامبرده در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۴ از طریق شهرداری استان اخبار و تمهید اخذ شد که از مدیریت خودداری نماید لیکن شب ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ در مجلس آیت اله پروچروری حضور یافته پس از لحظه ای توقف با کسب اجازه آقای عبدالجلیل جلیلی دربار منبر بزمین نشسته و به بحث و اطراف مسائل دینی و وفات امام جعفر صادق علیه السلام پرداخت و در خاتمه اظهار داشت امروز بسازمان و شهرداری بردند و تمهید گرفتیم که منبر تروم تا اینکه بنا بر آقای عبدالجلیل جلیلی درباری شهر سخرانی آفرانیم که سهر خافه نمود آقای هوید انگست وزیر چند روز قبل در محاسبه مطبوعاتی اعلام داشته که کلام همان آزاد است اگر در آن اشتباه نیز باشد. لکن امروز در شهرداری نامه ای جلوی من گذاشتند که در بالای آن مارک انگست و زیر بوده و نوشته بودند از منبر و نقش من یزدی جلوگیری بعمل آید و اینها نمیخواهند بجای روضه خوانی دایر شود با این نیت و ایمن دستورات باز هم میگویند بایستی حسن تفاهم وجود داشته باشد. در ساعت ۲۰۲۰ پس از نما نمودن به آقای غسینی رخد حافظی از حاضرین در مسجد با اظهارات خود خاتمه و افاضه نمود دیگر صحبت نخواهم کرد.

مراعات جهت استحضار و انعکاس در سوابق وی اعلام گردید. فضا* مشارالیه در ساعت ۱۲۰۰ روز ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ به بوب تم عزیمت نمود بدین وسیله بکیرگ شغعات کامل مشارالیه به بوبست ارسال میگردد.

نیس سازمان اطلاعات و امنیت استان پنجم - انشائی

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
آرشیو

۳۲۱

سند شماره ۲

[گزارش ساواک از منبر شیخ محمد یزدی و حرف‌های ایشان در پای منبر]

 نخست وزیر سازمان اطلاعات و امنیت کشور شماره ۱۰۰۰۰۰۰۰	از اداره کل سوم ۳۱۶ شماره تاریخ پیوست به ریاست ساواک لم
---	--

در باره: - شیخ محمد یزدی فرزند علی

برابر اطلاع در تاریخ ۲۳/۱۱/۴۴ توسط شیخ عبد الجلیل جلیلی روحانی
کرمانشاه ازنابرد فوق در موت بعمل آمده بود که امام رحلت حضرت امام جعفر
صادق در آن شهرستان بختبر برود . ساواک محل با توجه سابقه از منبر رفتن وی
چلوگیری بعمل آورد لیکن مشارالیه درهای منبرستانی ایوان و درخانه باقی
ختمی و مانع و در تاریخ ۲۵/۱۱/۴۴ به موجب قم هزیمت نموده است .
خواهشمند است دستور فرمائید در جریان فعالیت و اقدامات شخص مذکور بود و
در صورت مشاهده عملی خلاف مصالح عمومی مراتب را با انضمام و نقطه عکس صادر
شده بپسین اداره کل ارسال نمایند .

مدیرکل اداره سوم - مقدم
لطف
لیثی
۳۱۱

۴۱۴۱

مرکز اسناد و اطلاع رسانی
آرشیو

مرکز اسناد و اطلاع رسانی
آرشیو

۱۲/۶
۴۱۶

سند شماره ۳

[گزارش ساواک از جلوگیری شدن و ممنوعیت منبر شیخ محمد یزدی در کرمانشاه]

گیرنده مدبریت کل اداره سوم (۲۱۶)

فرستنده: واک کرمانشاه

شماره سند: ۵۲۸/۵/۵۰

تاریخ: ۱۱/۲۸/۴۰

شماره پرونده: ۵/۵

شماره پرونده فرستنده: ۴۴/۱۱/۲۴

پوست: ۴۴/۱۱/۲۴

نخست وزیر

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

مرکز اسناد و انقلاب اسلامی

آرشیو

موضوع: شیخ محمد یزدی.

تاسیرده در تاریخ ۴۴/۱۱/۲۴ از طریق شهرانی استان اصفهان و تمهید اخذ شده که از حضور منبر خود در آن نباید لیکن شب ۴۴/۱۱/۲۵ در مجلس آیت الهه بروجردی حضور یافته پس از لحظه ای توقف باکسب اجازه آقای عبدالجلیل جلیلی درهای منبر بزمین نشست و به بحث در اطراف مسائل دینی و وفات امام جعفر صادق علیه السلام پرداخت و در خاتمه اظهار داشت امروز مسرا به سازمان و شهرانی بردند و تمهید گرفتند که منبر نروم تا اینکه بنا بر آقای عبدالجلیل جلیلی درهای منبر سخنرانی آنرا میگویم سپهر اضافه نمود آقای هیدانگست وزیر چند روز قبل در محابه مطبوعاتی اعلام داشته که گفتن و بیان آزاد است اگر در آن انتقاد نیز باشد. لکن امروز در شهرانی نامه ای جلوی من گذاشتند که در بالای آن عارف انگست و زیر بوده و نوشته بودند از منبر رفتن یزدی جلوگیری بعمل آید و اینها نمیخواهند مجالس روضه خوانی دایر شود با این نیت و این دستورات باز هم میگویند با همی حسن تفاهم وجود داشته باشد. در ساعت ۲۰۲۰ پس از نماز نمودن به آقای خستین رعدا حافظی از حاضرین در مسجد با اظهارات خود خاتمه و اضافه نمود دیگر صحبت نخواهم کرد.

مراتب جهت استحضار و انعکاس در سوابق وی اعلام گردید. ضمناً مشارالیه در ساعت ۱۲۰۰ روز ۴۴/۱۱/۲۵ بهر ب تم غیبت نمود بدین وسیله بکبرگ شخعات کامل مشارالیه بهر بوست ارسال میگردد.

میس سازمان اطلاعات و امنیت استان پنجم - اتشانی

بیمه نامه

مرکز اسناد و انقلاب اسلامی

آرشیو

تاریخ: ۴۴/۱۱/۲۴

سند شماره ۴

[گزارش ساواک از سفر عبدالکریم هاشمی نژاد به کرمانشاه]

از اداره کل سوم - ۳۱۶
شماره ۳۵۴ - ۳۱۶
تاریخ ۱۳۵۴/۱/۱۴
پوست
به ریاست ساواک استان مرکزی
معاونت اطلاعات

در باره: عبدالکریم هاشمی نژاد -

شماره ۳۱۶/۱۵۰۶۲ - ۴۴/۱/۷

نامبرده فوق در تاریخ ۴۴/۱/۱۴ از مشهد به سوی کرمانشاه حرکت نمود. ماست و ممکن است در ایام ماه رمضان در تهران به سرپرست - علیه درخواست است دستور فرمائید در صورت ورود مشاوران به تهران در جریان فعالیت وی بوده و چنانچه - نالاب به خلاصی ابراد نمود از منبر رفتن او جلوگیری شود - م

مدیرکل اداره سوم - مقدم

نظف

امیر احمد
آرامش
۱۳۵۴/۱/۱۴

محسن مانه

مرکز است و اطلاعات
آرشیو

